

## تاریخ شفاهی تدوین کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه (۱۳۰۰-۱۳۳۲ش)، ضرورت‌ها و ویژگی‌ها

پیمانہ صالحی

### چکیده:

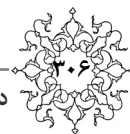
این مقاله به بررسی پیشینه تدوین کتاب‌های درسی در دوره ابتدایی و متوسطه پرداخته و به‌طور اخص روند انتشار این منابع آموزشی را در فواصل سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲ش. بررسی می‌کند. در بیان سیر تغییرات کتاب‌های درسی در دوره موردنظر، بهره‌گیری از منابع تاریخ شفاهی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در اولویت قرار گرفته است. روایت‌های دانش‌آموزان به‌عنوان خوانندگان اصلی این کتاب‌ها، تصویر روشنی از محتوای منابع آموزشی، روش‌های تدریس و جایگاه مؤلفان ارائه می‌کند.

نوع تحقیق در این پژوهش، بنیادی - کتابخانه‌ای بوده و روش آن توصیفی و تحلیلی است که با مراجعه به منابع دست‌اول تاریخی اعم از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی و منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

### کلیدواژه‌ها:

کتاب درسی، تاریخ شفاهی، برنامه درسی، مصاحبه، تدوین.

دوفصلنامه تاریخ شفاهی، سال چهارم، شماره اول، شماره پیاپی ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۳۰۶-۳۲۶





## تاریخ شفاهی تدوین کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه (۱۳۰۰-۱۳۳۲ش)، ضرورت‌ها و ویژگی‌ها

پیمانه صالحی<sup>۱</sup>

### مقدمه:

کتاب درسی به‌عنوان یک حوزه تخصصی و رشته تحلیلی موضوعی جدید است، اما به‌عنوان مسئله موردعلاقه بشر تازگی ندارد (صالحی رزوه، ۱۳۹۳، ص ۱۸). هم‌چنین یکی از مواد آموزش نوشتاری است که براساس برنامه درسی و برای رسیدن به اهداف آموزشی به‌شکل خاصی تألیف می‌شود و مهم‌ترین وسیله آموزش معلم به‌شمار می‌رود. کتاب درسی اصلی‌ترین منبع و مؤثق‌ترین مرجع علمی هدایت و راهنمایی فعالیت‌های معلم و دانش‌آموز در جهت تحقق اهداف آموزشی موردتوجه برنامه‌ریزان درسی است. علاوه بر این، متنی است سازمان‌یافته که اهداف آموزشی را در قالب نوشتار، تصاویر و تکالیف عرضه می‌کند و پیونددهنده مقاصد آموزش و پرورش با کلاس درس است (معمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱).

راهنمای برنامه درسی، طرح و نقشه یادگیری است که کتاب درسی براساس آن طراحی و تألیف می‌شود. گزینش محتوای کتاب درسی با رعایت اصول و ملاحظات علمی، آموزشی، تربیتی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی صورت می‌گیرد که توسط شورای برنامه‌ریزی درسی مشخص می‌شود. برخی از اصول انتخاب و سازماندهی محتوا جنبه عمومی دارند، اما برخی جزو اصول خاص هستند (رون، ۱۳۹۱، ص ۱۶۶). با تأسیس مدارس جدید، به‌تدریج کتاب درسی متناسب با سن دانش‌آموزان و نیازهای فردی و اجتماعی آنان تألیف شد و در وزارت آموزش و پرورش، سازمان کتاب‌های درسی و سپس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تأسیس شد و در دانشگاه‌ها نیز سازمان‌هایی برای تهیه و تولید کتاب درسی شکل گرفت.

در راستای ثبت تاریخ تدوین کتاب‌های درسی در دهه‌های گذشته، علاوه بر کتاب‌ها و اسناد، مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی با خوانندگان این منابع آموزشی، به‌خصوص شخصیت‌هایی که بعدها به

۱. کارشناس‌ارشد زبان و ادبیات فارسی،  
کارشناس مسئول سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
ایران؛ pe\_salehi@yahoo.com



جرگه دبیران و متولیان تعلیم و تربیت پیوستند، موجب تکمیل نانوشته‌های منابع مکتوب می‌شود و تصویر روشنی را از محتوای کتاب‌های درسی و جایگاه مؤلفان این کتاب‌ها نمایان می‌سازد. بررسی رویکردهای مورد توجه در نگارش کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه براساس پژوهش‌های مکتوب و صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان تاریخ‌شفاهی، تاکنون در ایران چندان مورد توجه محققان قرار نگرفته است. با تعمق بیشتر در این زمینه متوجه می‌شویم که شناخت عوامل مؤثر بر تدوین کتاب‌های مذکور در دوره‌های گذشته، به اصلاح نگارش‌ها در تألیف منابع آموزشی در سال‌های آتی کمک شایانی می‌کند.

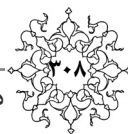
### پیشینه تألیف کتاب‌های درسی (۱۲۳۰-۱۳۰۰ ش)

با روی کار آمدن میرزا تقی‌خان امیرکبیر و استقرار سلطنت ناصرالدین شاه، اقدامات اصلاحی همه‌جانبه‌ای در کشور آغاز شد که یکی از آن‌ها تأسیس دارالفنون و آغاز آموزش علوم و فنون جدید در ایران بود. با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ ش. آموزش و پرورش رسمی و جدید در کشور پایه‌گذاری شد و آموزش به شیوه سنتی نیز ادامه یافت (معمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲). تا قبل از آن، تعلیم به شیوه مکتب‌داری انجام می‌شد و کتاب‌هایی نظیر قرآن، اشعار حافظ، کلیله و دمنه و گلستان تدریس می‌شد. در این دوره مکتب‌خانه‌ها در انتخاب چارچوب انتظارات (نیازها)، محتوای مواد درسی، نحوه اجرا و ارزشیابی، آزادی کامل داشتند (مقصودی، ۱۳۹۴، ص ۴۰).

ابتدا امیرکبیر دستور داد ساختمان دارالفنون در مجاورت میدان توپخانه تأسیس شود. وی نسبت به پیشرفت احداث مدرسه بسیار علاقه‌مند بود و هر وقت فرصتی می‌یافت به سرکشی ساختمان آن می‌پرداخت. هم‌زمان با شروع تأسیس دارالفنون، امیرکبیر از جان داوود خان که زبان فرانسه می‌دانست، درخواست کرد که به اتریش برود و شش معلم دانا و ماهر اتریشی را برای مدت شش سال استخدام کند (یغمایی، ۱۳۷۶، ص ۵۰). دلیل انتخاب کشور اتریش آن بود که از سوابق معلمان روسی، انگلیسی و فرانسوی در ایران ناراضی بود و می‌خواست که معلمان خارجی فقط به تدریس بپردازند و در امور سیاسی مملکت مداخله نکنند (آدمیت، ۱۳۸۰، ص ۷۳).

داوودخان در اتریش به خدمت پادشاه آن کشور رفت و درخواست خود را عرضه کرد و پس از انجام کار با شش معلم اتریشی و یک نفر ایتالیایی، دو روز پس از عزل امیرکبیر از صدارت، به ایران بازگشت که استقبال شایسته‌ای هم از این معلمان نشد. این افراد عبارت بودند از: دکتر پولاک<sup>۱</sup> (معلم پزشکی)، کرشیش<sup>۲</sup> (معلم توپخانه)، فوکاتی<sup>۳</sup> (معلم داروسازی)، نمبرو<sup>۴</sup> (معلم نظام)، بارون گومونس<sup>۵</sup> (معلم پیاده)، گارنوتا<sup>۶</sup> (معلم معدن) و ذاتی<sup>۷</sup> (معلم مهندسی) (اشراقی، ۱۳۸۴، ص ۳۲). این استادان رشته‌های تحصیلی پیاده نظام، توپخانه، مهندسی، طب و جراحی، داروسازی و معدن را در دارالفنون دایر کردند.

1. Polak.
2. Krziz.
3. Fochetie.
4. Nemiro.
5. Gumonies.
6. Garnotta.
7. Zattie.



نخستین کتاب‌های درسی را چند سال بعد از اینکه استادان خارجی در کلاس‌ها به‌طور عملی تدریس کردند، مترجمان آن‌ها با استفاده از یادداشت‌هایی که آماده کرده بودند یا کتاب‌هایی که آن استادان از خارج آورده یا در ایران نوشته بودند، فراهم آوردند. این کتاب‌ها در چاپخانه دارالفنون به‌صورت چاپ سنگی تهیه می‌شد و در دسترس دانشجویان قرار می‌گرفت. این چاپخانه هم‌زمان با گشایش مدرسه دارالفنون شروع به کار کرد (گلپایگانی، ۱۳۷۱، ص ۵۱). چند نمونه از کتاب‌های مذکور بدین شرح است:

کتاب‌های میرزا زکی مازندرانی راجع به توپخانه، حکمت طبیعی، مکانیک، حساب و جغرافیا، کتاب جراحی نوشته دکتر پولاک؛ کتاب‌های جبر و مقابله، ریاضی، دژسازی و توپخانه که کرشیش آن‌ها را به رشته تحریر درآورد؛ کتاب تشریح که دکتر علی رئیس‌الاطباء و دکتر ابوالحسن خان نگاشتند؛ اصول شیمی نوشته کاظم محلاتی؛ کتاب‌های هندسه، جغرافیا و تاریخ طبیعی که استاد عبدالغفارخان نجم‌الدوله آن‌ها را تألیف کرد؛ فیزیوتراپی که دکتر الیو اتریسی آن را تدوین کرد و نیز کتاب‌های آموزش زبان، لغت فارسی و لغت فرانسه که میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله تألیف کرد (صدیق، ۱۳۴۹، ص ۴۹).

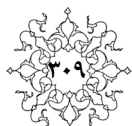
علاوه بر این، نخستین مدرسه ابتدایی به شیوه نوین در سال ۱۲۶۷ ش. تأسیس شد. حاج میرزا حسن رشديه<sup>۲</sup> که روحانی و از پیشقدمان فرهنگ نو در ایران بود، پس از آنکه از مرکز تربیت معلم بیروت فارغ‌التحصیل شد، در ایروان مدرسه‌ای برپا کرد که مورد توجه قرار گرفت و سپس مدرسه‌ای در تبریز گشود. گرچه این مدرسه هم از سوی مردم با استقبال مواجه شد، اما چندین بار در اثر مخالفت‌های سنت‌پرستان باز و بسته شد، آنان حتی مدرسه را منفجر کردند و میرزا حسن متواری گردید. البته زمانی که میرزا علی‌خان امین‌الدوله به صدارت مظفرالدین شاه رسید، او را به تهران دعوت کرد و مورد حمایت قرار داد (بقایای شیرجینی، ۱۳۹۴، ص ۶۹).

رشديه علاوه بر تدریس به کودکان، به مردان بی‌سواد ۲۵ تا ۴۵ ساله هم آموزش می‌داد. وی اولین مؤلف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی (شش ساله اول) در ایران است. از رشديه ۲۷ جلد کتاب چاپ شده موجود است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: بدایه‌التعلیم، نهایه‌التعلیم، کفایه‌التعلیم، هدایه‌التعلیم و اخلاق (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص ۵۸). وی این کتاب‌ها را با هزینه خود چاپ می‌کرد و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌داد (مقصودی، ۱۳۹۴، ص ۴۲).

در سال‌های بعد به تدریج مدارس ویژه‌ای در تهران و شهرستان‌ها دایر شد و کتاب‌های درسی به وسیله مدیران و معلمان این مدارس تألیف و منتشر شد. نمونه کتاب‌هایی که در دوره ابتدایی تدریس می‌شد، عبارت بود از: کتاب علمی در اخلاق و اصول و فروع دین از میرزا یحیی دولت‌آبادی؛ تعلیم الاطفال در الفبا و قرائت فارسی از میرزا محمودخان مفتاح‌الملک؛ شجره طیبه در اخلاق و اصول و فروع دین از میرزایحیی دولت‌آبادی و تاریخ مختصر ایران از محمدعلی فروغی

1. Elbow.

۲. حاج میرزا حسن رشديه (۱۲۴۳-۱۲۶۷ق) که وی را پیر معارف و پدر مدرسه جدید در ایران لقب داده‌اند.



ملقب به ذکاءالملک (ایمانه، ۱۳۹۱، ص ۴۹).

نخستین مدرسه متوسطه در ایران در سال ۱۲۷۵ش. با نام مدرسه علمیه تأسیس شد. در این مدرسه علاوه بر درس‌های ادبی، فیزیک، شیمی، ریاضی و طبیعی نیز آموزش داده می‌شد. البته از روی کتاب‌های درسی خاصی تدریس نمی‌شد و معلمان نیز آموزش‌های لازم را طی نکرده بودند. اغلب معلمان از کتاب‌ها و جزوه‌هایی که در دارالفنون داشتند، در کلاس درسی جزوه می‌گفتند و دانش‌آموزان می‌نوشتند (معتدی، ۱۳۷۸، ص ۶۳). پس از تأسیس مدارس جدید، به تدریج تألیف کتاب‌های درسی مدارس متوسطه آغاز شد. از افراد آگاهی که در نوشتن کتاب درسی پیشقدم بود، می‌توان از میرزا محمدعلی خان فروغی نام برد که اولین کتاب فیزیک را برای دوره دبیرستان نوشت. در سال ۱۲۹۰ش. قانون اساسی وزارت معارف به تصویب رسید و تعلیمات عمومی و اجباری جزء وظایف دولت قرار گرفت. نظام آموزشی چهار نوع مدرسه شامل: مکاتب ابتدایی دهکده؛ مکاتب ابتدایی بلده؛ مدارس متوسطه و مدارس عالییه را در برمی‌گرفت. براساس این قانون، دولت در زمینه تأسیس دبستان‌ها و دبیرستان‌ها در سراسر کشور اقدام کرد و دارالمعلمین (دانشسرای مقدماتی) برای تربیت دبیر ایجاد شد.

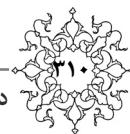
مهم‌ترین نوآوری در کتاب‌های درسی در سال ۱۲۹۵ش. به وجود آمد. در این زمان «شورای معارف» شکل گرفت و در برنامه‌ای که شورای مذکور آن را اصلاح کرده بود، درس‌های علم‌الاشیاء (علوم تجربی)، حفظ‌الصحه و اخلاق، از کلاس اول دبستان تا ششم، رسماً در برنامه آموزشی قرار گرفت. علاوه بر آن، درسی به نام اعمال یدی و رسم نیز اضافه شد. البته تا قبل از سال ۱۳۰۰ش. اصلاح و فعالیت جدی دیگری در زمینه تدوین کتاب‌های درسی صورت نگرفت (معتدی، ۱۳۷۸، ص ۶۴).

### تألیف کتاب‌های درسی (۱۳۰۰-۱۳۱۰ش)

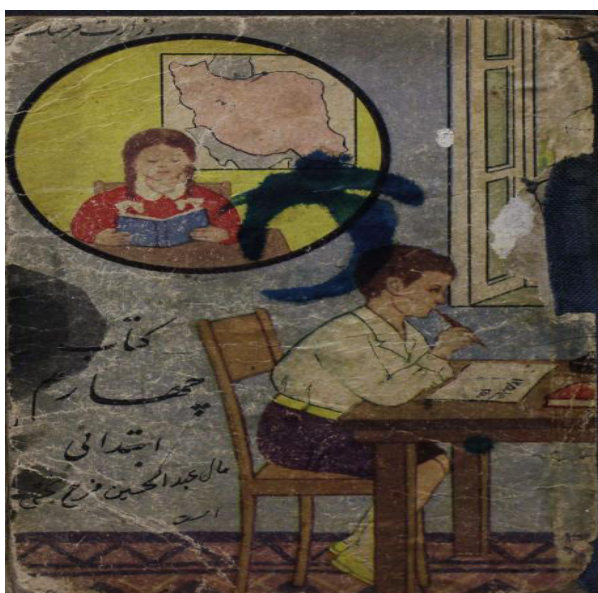
در سال ۱۳۰۰ش. قانون «شورای عالی فرهنگ» به تصویب رسید. مطابق آن قانون، مؤلفان و ناشران ملزم شدند که کتاب‌های درسی را مطابق برنامه‌ای که از طرف وزارت معارف به آن‌ها ابلاغ می‌شد، تألیف نمایند. در همین برنامه بود که آموزش علوم در ایران از دوره ابتدایی آغاز شد و کتاب‌هایی نیز بدین منظور نوشته شد. البته در شرح وظایف آن در ماده ۱۲ قانون مذکور، آمده است که تمامی کتاب‌های درسی باید با دستور رسمی وزارت معارف همخوانی داشته باشند.

اداره تفتیش وزارت معارف در سال ۱۳۰۳ش. گزارش مفصلی راجع به اصلاح کتاب‌های درسی مدارس در اختیار معارف قرار داد که مورد توجه قرار گرفت و شورای مذکور در تیر ۱۳۰۴ مواد چهارگانه ذیل را در این زمینه تصویب کرد:

۱. کمیسیونی تشکیل شود که تمام کتاب‌های کلاسی را با دقت بررسی کند و بهترین آن‌ها را



- برای تدریس در تمام مدارس مرکز و ولایات انتخاب نماید؛
۲. هر کتابی را که کمیسیون انتخاب کرد، به شورای عالی معارف اطلاع بدهد که بعد از جلب نظر شورا، تدریس آن تصویب شود؛
۳. تدریس کتب منتخبه از ۱۶ شهریور ۱۳۰۵ ش. خواهد بود؛



۴. اداره کل معارف به تمام کتابخانه‌ها و مؤلفان اعلام کند که کتاب‌های خود را تا ابتدای فروردین ۱۳۰۵ ش. برای ملاحظه کمیسیون حاضر نمایند. کمیسیون مذکور می‌تواند براساس اهمیت موضوع از معلمان فاضل، مجرب و متخصص در هر رشته دعوت کند. وظایف کمیسیون در انتخاب عبارت بود از: تشخیص صحت مطالب و حسن اسلوب کتاب‌ها؛ مطابقت و موافقت آن‌ها با اصول تربیت دینی و ملی؛ ترجیح کتاب‌ها از حیث صحت اصول انشا، ترجمه، حسن خط، طبع، تصویر و کاغذ (محمدی؛ قائینی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۰۰).
- بنابراین از سال ۱۳۰۶ ش. به بعد، مراکز می‌توانستند از بین کتاب‌هایی که دارای ویژگی‌های مورد نظر بود، محتوای آموزشی خود را انتخاب کنند یا محتوای درس خود را به نحوی تهیه کنند که با ضوابط تعیین شده همخوان باشد. وزارت معارف هم برای اولین بار، برنامه ساعات هفتگی درس‌های مدارس را با عنوان «دستور تعلیمات شش ساله ابتدایی مدارس» تهیه و تصویب کرد (سلطانی‌فر، ۱۳۷۶، ص ۳۰).
- به دستور وزیر فرهنگ - یحیی قره‌گوزلو (اعتمادالدوله) - در سال ۱۳۰۷ ش. تهیه کتاب‌های

درسی ابتدایی بر عهده وزارت معارف قرار گرفت و کتاب‌های وزارتی در سطح کشور انتشار یافت. (محمدی؛ قاضینی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۰۱) کتاب‌هایی که به سرپرستی وزارت فرهنگ منتشر شد، نسبت به کتاب‌های قبلی ارزان‌تر و از نظر چاپ هم مرغوب‌تر بود و مشکل دانش‌آموزان از نظر کمبود کتاب درسی برطرف شد. هم‌چنین برنامه درسی دوره اول دبیرستان با عنوان «دستور تعلیمات شش ساله متوسطه» برای پسران و دختران به شکل جداگانه به تصویب رسید. در این سال‌ها قراگوزلو با کمک استادانی نظیر احمد بهمنیار توانست برای مدارس ابتدایی و متوسطه کتاب‌های درسی فراهم کند (مقصودی، ۱۳۹۴، ص ۴۲).

علاوه بر این در کنار اقدامات مربوط به انتشار کتاب‌های وزارتی، «پروگرام یا برنامه طبع کتاب در ولایات» پیش‌بینی شد. منظور از پروگرام طبع کتاب، تهیه و اجرای یک پروگرام اجباری و الزامی نبود، بلکه مراد این بود که با رعایت احتیاجات، بنیه مالی و استطاعت علمی هر حوزه‌ای، کتاب‌هایی با رعایت موارد زیر منتشر شود:

الف) کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی مخصوص هر محل یا کتاب‌هایی که در مورد تحقیقات علمی راجع به آن محل بحث می‌کند، چاپ و منتشر شود.

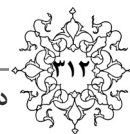
ب) وسایل تألیف و طبع فرهنگ‌ها و مجموعه‌هایی حاکی از ویژگی‌های فرهنگ محلی مانند افسانه‌ها، لغات و امثال آن فراهم شود.

ج) شرکت‌های طبع یا ناشران کتاب در هر محل، به تصحیح و انتشار آثار مشاهیر ادبی، فضا، نویسندگان و شعری که از آن محل برخاسته‌اند، تشویق شوند (صدیق، ۱۳۴۹، ص ۴۸).

با توجه به مطالب مطرح‌شده می‌توان این‌طور استنباط کرد که در این دوره، مراکز آموزشی در جایگاه انتخابگر مواد آموزشی یا همان کتاب‌های درسی نقش فعالی داشتند. در واقع این امکان را داشتند که بتوانند محتوای درسی خود را به‌گونه‌ای تهیه کنند که با ضوابط تعیین‌شده همخوان باشد. لازم به‌ذکر است تعداد کتاب‌های درسی منتشرشده در این دهه در قیاس با تنوع و تعدد مراکز آموزشی بسیار کم بود و سرمایه‌گذاری چندانی از طرف وزارت فرهنگ جهت چاپ و انتشار کتاب‌های درسی صورت نمی‌گرفت. هم‌چنین به‌دلیل اینکه وزارت فرهنگ برای نخستین بار به انتشار این منابع آموزشی اقدام کرده بود، طبعاً تجربه چندانی در این زمینه نداشت و لازم بود محتوای کتاب‌ها بهبود یابد.

### تألیف کتاب‌های درسی (۱۳۱۰-۱۳۲۰)

اوایل این دهه، تدوین و تهیه کتاب‌های درسی به همان شیوه قبل ادامه پیدا کرد. در واقع تألیف و انتشار کتاب‌های دوره ابتدایی در انحصار دولت قرار داشت و کتاب‌های هر شهر یا استان متناسب با نیازهای آن محل تدوین می‌شد و برخاسته از آداب و رسوم و فرهنگ آن منطقه بود.



محسن وزیری مقدم از هنرمندان معاصر، در مصاحبه تاریخ شفاهی در مورد کتاب سرودهای مدارس که در این دوره در شهرهای مختلف تدریس می‌شد، این‌گونه سخن می‌گوید:

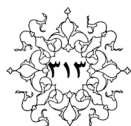
«سال ۱۳۱۳ که من در کلاس چهارم ابتدایی در اهواز درس می‌خواندم، علی‌نقی وزیری و وزارت فرهنگ اقدام کرده بودند که بتوانند موسیقی را در سطح دبستان‌ها و دبیرستان‌ها گسترش دهند. دفترچه‌هایی به نام سرودهای مدارس چاپ شده بود و آقای هم می‌آمد که ویولن می‌زد و سرود یاد می‌داد. بعد از مدتی که سرودها را با ما تمرین کرد، متوجه شد که دانش‌آموزان در چه زمینه‌هایی استعداد دارند و به‌طور مثال فهمید که من گوش حسّاسی در شناخت صدا و ریتم دارم» (وزیری مقدم، ۱۳۸۴، مصاحبه).

انتشار کتاب‌های ریاضی در دوره مورد بحث با تدوین کتاب‌های متعددی همراه بود. در واقع با تصویب هیئت دولت سفارش، تهیه و چاپ کتاب‌های درسی به گروهی از دبیران سپرده شد که آثاری تألیف و بازنویسی شد. البته در این دوره، به دلیل تنوع کتاب‌ها، دوباره کاری‌هایی وجود داشت (گویا، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳). به‌طور مثال از مقایسه کتاب‌های حساب سال اول دبیرستان می‌توان ویژگی‌هایی نظیر فهرست مطالب یکسان، شکل‌های مشابه، مختصری از نقشه‌برداری، خط و چندوجهی‌ها را استنباط کرد. این آثار توسط چندین گروه مؤلف تهیه و روانه بازار شده بود. علاوه بر این تا این زمان، کتاب‌ها اغلب توسط یک یا دو نفر تألیف می‌شد، درحالی‌که پس از آن تدوین کتاب‌های ریاضی به‌صورت مشترک توسط چند مؤلف آغاز شد. به‌عنوان نمونه احمد بیرشک و پرویز شهریاری با نوشتن کتاب‌های درسی ریاضی در این سال‌ها، به جمع مؤلفان پیوستند.

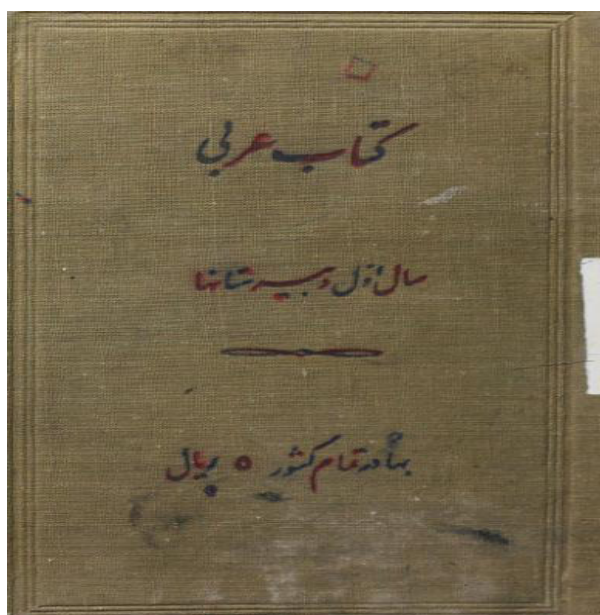
وزارت معارف «نظام‌نامه اداره انطباعات» را در سال ۱۳۱۲ ش. از تصویب شورای معارف گذراند و عملاً روند تألیف کتاب‌های درسی را نظمی نو بخشید. سال بعد از آن و در زمان وزارت علی‌اصغر حکمت هم گام‌هایی جهت بهسازی یا بازنویسی برخی کتاب‌های درسی برداشته شد. البته بسیاری از کتاب‌های علمی که به زبان فارسی بودند، کارایی لازم را نداشتند و کتاب‌های درسی کاربردی نیز هنوز به‌فارسی ترجمه نشده بودند.

دکتر منوچهر دانشگر از پژوهشگران و استادان دانشگاه که در سال ۱۳۱۳ ش. در دوره دبیرستان تحصیل می‌کرد، در مورد کتاب‌های درسی در این مقطع زمانی می‌گوید:

«من در دبیرستان در رشته علمی درس می‌خواندم، چون آن زمان سه نوع دیپلم علمی، ادبی و طبیعی بود. کتاب‌های ریاضیات و مثلثات به زبان فارسی نبود و ما از کتاب‌های فرانسه استفاده می‌کردیم. بنده یادم است چون فرانسه‌ام خوب بود، کتاب مثلثات را از کتابخانه مدرسه گرفتم و به فارسی ترجمه کردم و به همکلاسی‌ها دادم که استفاده کنند. در واقع شرایط طوری بود که شاگرد باید زحمت می‌کشید و کار می‌کرد.» (دانشگر، ۱۳۸۶، مصاحبه).





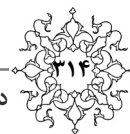


در این سال‌ها کتاب‌های صرف و نحو و قرائت عربی دوره دبیرستان به وسیله دبیران و استادان دانشگاه به رشته تحریر درآمد. در بررسی کتاب صرف و نحو و قرائت عربی سال اول دبیرستان در این دوره که تألیف احمد بهمنیار، محمدحسین فاضل تونی و عبدالرحمن فرامرزی است، این موارد استنباط شد: توجه به عمق مطالب، حجم کم قواعد صرف و نحو، تمرین‌های فراوان، درج ترجمه کلمات کنار آن‌ها، تغییر خط و شکل نوشتاری مطالب فارسی و عربی و جانمایی کلمات عربی با معانی آن‌ها در انتهای کتاب.

محمود به‌نژاد از پیش‌کسوتان تعلیم و تربیت، در مورد سطح بالای مطالب کتاب‌های دوره ابتدایی در دهه مورد بحث در قیاس با فهم و یادگیری دانش‌آموزان چنین سخن می‌گوید:

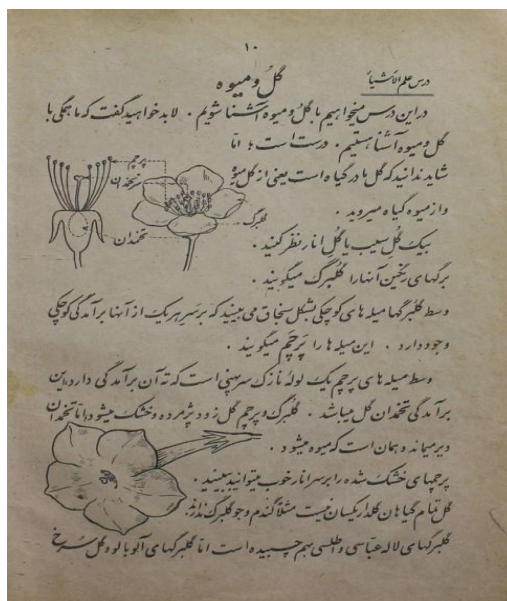
«سطح کتاب‌های دوره ابتدایی به گونه‌ای بود که مثلاً مطالب کتاب ریاضی سال ششم، الان در سال اول رشته حسابداری تدریس می‌شود، یعنی این قدر سطح کتاب‌ها بالا بود و حجم مطالب سنگین! هم‌چنین محتوای کتاب‌ها هر سال یا هر پنج سال یک‌بار عوض نمی‌شدند، طوری که دانش‌آموزان کتاب‌های درسی را پاره نمی‌کردند و تابستان که می‌شد، به سال بعدی‌ها می‌فروختند. من هم این جوری کتاب‌ها را نصف قیمت می‌خریدم، جلد می‌کردم و استفاده می‌کردم و دوباره سال بعد آن‌ها را می‌فروخت» (به‌نژاد، ۱۳۹۵، مصاحبه).

علاوه بر این دکتر محمدباقر آرام از استادان دانشگاه، در زمینه ویژگی‌ها و خصوصیات کتاب‌های درسی این دوره می‌گوید:



«در آن سال‌ها که من در دوره ابتدایی درس می‌خواندم، چند کتاب برایم گنجینه‌ای داشت: یکی کتاب فارسی بود و دیگری تاریخ و جغرافی. کتاب‌ها در قطع بزرگ بودند که تقریباً بیش از نصف صفحه را تصویر و عکس پر می‌کرد. مطالبی که به صورت متن در حاشیه این عکس‌ها بود، جوری با تصاویر هم‌پوشانی داشت که شما آنچه را که مغز مطلب بود، مثل تاریخ یک قوم یا اطلاعاتی در مورد یک تمدن را به صورت سمبولیک با لباس، ابزار و محیط زندگی آن‌ها یاد می‌گرفتید. محتوای کتاب‌ها طوری بود که علاقه و انگیزه برای آموزش را عینی می‌کرد. البته به لحاظ حجم قطور بودند، ولی بیشتر حجم آن‌ها را تصاویر تشکیل می‌داد. در دوره ابتدایی بر روش انتزاعی تأکید می‌شد، یعنی عینیت بخشیدن به مفاهیم؛ البته به حفظیات هم توجه می‌شد ولی بعداً این امر به عنوان ضعف در نظام آموزشی مطرح گردید» (آرام، ۱۳۹۵، مصاحبه).

در سال ۱۳۱۷ش. براساس تصویب‌نامه هیئت وزیران و با تلاش وزیر فرهنگ وقت - اسماعیل مرآت - پانزده نفر از استادان، دانشیاران و دبیران آگاه و علاقه‌مند، چاپ کتاب‌های درسی دبیرستانی را زیر نظر مرکزی به نام «کمیسیون تهیه و چاپ کتاب» برعهده گرفتند. این هیئت تألیف هریک از مواد درسی را به گروهی از افراد باصلاحیت واگذار کرد. ذکاءالملک، غلامحسین رهنما و عیسی صدیق سرپرستی ویرایش نهائی کتاب‌ها را برعهده داشتند. در نتیجه در فواصل سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ش. حدود هشتاد عنوان کتاب درسی با عنوان «کتاب وزارت» به صورت یکدست و هماهنگ، از نظر شکل ظاهری و محتوا با کیفیت و کمیت بهتری نسبت به گذشته برای دبیرستان‌ها تألیف و چاپ شد (صدیق، ۱۳۵۴، ص ۵۲).



توران میرهادی از پیشگامان تعلیم و تربیت نوین در ایران، دوران دبیرستان خود را در سال ۱۳۱۸ ش. چنین توصیف می‌کند:

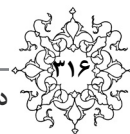
«یکی از شانس‌های بزرگ زندگی من، تحصیل در مدرسه نوری بخش بود. در آن سال‌ها کتاب‌های ادبیات فارسی دوره دبیرستان خوب بودند و دکتر زهرا خانلری که دبیر ادبیات ما بود، این درس را طوری ارائه می‌کرد که دریچه‌های ادبیات به روی دانش‌آموزان باز می‌شد. ما کلیله و دمنه را مرور می‌کردیم و لذت می‌بردیم. آن‌چنان عاشق ادبیات فارسی شده بودم که وقتی جهت ادامه تحصیل به فرانسه رفتم، از مدرم خواستم که برایم یک کتاب تاریخ ادبیات ایران بفرستد و او هم کتاب رضازاده شفق را فرستاد» (حسینی، ۱۳۸۷، مصاحبه).

علاوه بر کتاب‌های درسی دوره‌های ابتدایی و متوسطه، منتخبی از متون معتبر و شاهکارهای زبان و ادب فارسی نظیر شاهنامه، گلستان و منطق‌الطیر تهیه و چاپ شد که در اختیار دانش‌موزان قرار گرفت. از ایراداتی که به کتاب‌های وزارتی گرفته می‌شد، یکی استفاده از اصطلاحاتی بود که فرهنگستان زبان ایران انتخاب کرده و به‌کارگیری آن‌ها را توصیه کرده بود، اما بسیاری از این اصطلاحات کاربردی نبودند و در ذهن معلمان جای نگرفته بودند. دیگر آنکه اغلب مفاهیم علمی و ادبی از سطح یادگیری دانش‌آموزان متوسطه بالاتر بود (صدیق، ۱۳۵۴، ص ۵۳).

دکتر اقبال قاسمی پویا که از پژوهشگران تعلیم و تربیت است، در مصاحبه خود در مورد عدم همخوانی محتوای کتاب‌های درسی با سطح فهم و یادگیری دانش‌آموزان در این دوره این‌طور می‌گوید:

«محتوای شعرها در کتاب‌های درسی با فهم دانش‌آموزان هماهنگ نبود. مثلاً در کلاس پنجم ابتدایی اشعاری عرفانی از حافظ و مولوی گذاشته بودند. خوب این اشعار با درک من که در آن زمان دانش‌آموز بودم، نمی‌خواند. در واقع نویسندگان کتاب‌های درسی، خودشان را در ما می‌دیدند و ادراکات خود را به دانش‌آموزان تسری می‌دادند. بعدها این تفکر رشد کرد که کودک عالم دیگری دارد و از بزرگان نقل کردند که به بچه با نگاه خودش نگاه کنید. هم‌چنین در کلاس ششم ابتدایی کتابی با عنوان هزار مسئله داشتیم که کاملاً انتزاعی بود و برای دانش‌آموز یازده ساله سنگین بود. در واقع برنامه‌ریزی درسی ونه‌ای نبود که برای هر استعداد تحصیلی و ویژگی فردی، غذای مخصوص به آن را بدهد» (قاسمی پویا، ۱۳۹۵، مصاحبه).

کتاب‌های صد مسئله یا هزار مسئله توسط دبیران و استادان مختلفی نظیر حسین هورفر تدوین می‌شد. این کتاب‌ها جهت آموزش در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دبیرستان‌ها و دانش‌پایه اول و دوم دبیرستان‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. در بررسی کتاب هزار مسئله که در سال ۱۳۱۶ ش. تدوین شده است، این موارد استنباط شد: طرح سؤالات متنوع، درج پاسخ در کنار آن‌ها، سنگینی سؤالات در مقایسه با تمرین‌های کتاب ریاضی، تکرار مفاهیم و تأکید بیشتر روی برخی از مباحث.



علاوه بر این، دکتر احمد صافی نویسنده و استاد دانشگاه در مورد بهره‌گیری از فرهنگ ایرانی - اسلامی در تألیف کتاب‌های درسی گوید:

«محتوای کتاب‌های درسی به تناسب سن بچه‌ها سنگین بود، ولی در عین حال خوب بود. کتاب‌ها برگرفته از سه فرهنگ اسلامی، ایرانی و نیز فرهنگ جهانی بود. مثلاً ریاضی و علم‌الاشیاء براساس فرهنگ جهانی و فارسی براساس فرهنگ ایرانی و اسلامی بود. کتاب‌ها را مدرسه در قبال پول جزئی، به بچه‌ها می‌داد و دولت به بعضی از افرادی که وضع مالی خوبی نداشتند، کتاب مجانی می‌داد» (صافی، ۱۳۹۵، مصاحبه).

با عنایت به موارد مطرح شده می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که در این دوره تعداد کتاب‌های منتشرشده برای هر درس نسبت به دهه قبل افزایش چشمگیری پیدا کرده بود، یعنی به دلیل کمبود کتاب‌های درسی در مراکز آموزشی، متولیان آموزش و پرورش تصمیم گرفتند سرمایه بیشتری را جهت انتشار کتاب‌های درسی اختصاص دهند. در واقع کتاب‌های درسی با عنوان «کتاب‌های وزارتی» در سطح گسترده و با تنوع زیادی چاپ و منتشر شد.

لازم به ذکر است عده‌ای از کارشناسان و منتقدان نظام‌ها و منابع آموزشی معتقدند که در این دهه، به دلیل اینکه سطح مفاهیم علمی و ادبی کتاب‌های درسی فراتر از فهم دانش‌آموزان بود و نیز به دلیل لزوم استفاده از اصطلاحات فرهنگستان که هنوز متداول نشده بود، کیفیت شاخصه‌های مرتبط با آموزش در کشور به سطحی پائین‌تر از دهه‌های پیش رسیده بود. البته برخی استفاده‌کنندگان و مخاطبان کتاب‌های درسی در این سال‌ها بر این عقیده‌اند که بسیاری از کتاب‌ها دارای جذابیت بودند و نیز پاسخ‌گوی نیاز علمی دانش‌آموزان.

### تألیف کتاب‌های درسی (۱۳۲۰-۱۳۳۲ش)

پس از ورود متفقین به ایران در سال ۱۳۲۰، دولت توان ادامه تألیف و چاپ کتاب‌های درسی را از دست داد. به همین سبب، ناشران و چاپخانه‌داران از یک سو و مؤلفان و دبیران باسابقه و صاحب‌نظر از سوی دیگر برای انتقال تجربیات و در عین حال کسب درآمد، به چاپ و انتشار کتاب‌های درسی اقدام کردند و وزارت فرهنگ هم به همه کتاب‌هایی که ظاهراً با برنامه آن وزارتخانه مطابقت داشت، اجازه انتشار می‌داد. به طوری که به جای هشتاد عنوان کتاب درسی مورد نیاز برای دوره دبیرستان، حدود ۴۲۸ عنوان کتاب چاپ شده بود. در واقع از یک عنوان کتاب یا برنامه یا موضوع مشخص، چندین کتاب مشابه منتشر می‌شد. هم‌چنین در این سال‌ها آموزش زبان خارجی در مدارس، از زبان فرانسه به انگلیسی تغییر کرد که دانش‌آموزان در سال‌های اولیه با مشکلاتی از قبیل کمبود معلم ماهر زبان انگلیسی مواجه بودند (طالقانی، ۱۳۴۲، ص ۲۰).

دکتر باقر عاقلی، نویسنده و مورخ معاصر در مورد تغییر تدریس زبان خارجی در مدارس چنین



می‌گوید:

«بنده در مهر ۱۳۲۰ وارد دبیرستان شدم و تا آن‌زمان، زبان خارجی که در دبیرستان‌ها تدریس می‌شد، زبان فرانسه بود، ولی این اولویت در دنیا تغییر کرد و زبان انگلیسی جای آن را گرفت. البته در آن‌زمان در ایران معلم انگلیسی پیدا نمی‌شد، چون تحصیلات در مدارس براساس سیستم فرهنگ فرانسه بود و تقریباً همه این زبان را فراگرفته بودند» (عاقلی، مصاحبه، ۱۳۷۳).

هم‌چنین سیدکاظم اکرمی از مدرسان و وزرای آموزش و پرورش، تعدّد و تنوّع کتاب‌های درسی پس از شهریور ۱۳۲۰ را این‌طور توصیف می‌کند:

«در آن‌زمان کتاب‌های درسی در کشور متمرکز نبودند، یعنی نظارتی وجود نداشت چون کتاب‌ها به‌وسیله تعداد زیادی از مؤلفان نوشته می‌شد. البته طبیعی بود چون در آن دوران هنوز سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی تأسیس نشده بود» (اکرمی، مصاحبه، ۱۳۹۵).

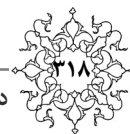
آزادی تألیف گرچه بسیاری از افراد را به تحقیق و نوشتن تشویق کرد، ولیکن چون راهنمایی و نظارت دقیقی به‌دنبال نداشت، نابسامانی‌های فراوان به‌همراه آورد و نتایج مطلوب حاصل نشد. برخی از مشکلات چنین بود:

۱. به‌کار بردن اصطلاحات متفاوت به وسیله نویسندگان در انواع کتاب‌های یک ماده درسی؛
۲. نابرابری کیفیت و کمیت کتاب‌هایی که در کلاس‌های مختلف یک منبع درسی تدریس می‌شد؛
۳. تغییر کتاب‌های درسی با جابه‌جا شدن معلمان؛
۴. زیان‌های ناشران و کتاب‌فروشان از تعویض کتاب‌ها و راکد ماندن سرمایه آنان؛
۵. گرانی کتاب‌های درسی با وجود بالا بودن شمارگان آن‌ها؛
۶. دسته‌بندی‌های فرهنگی و تشکیل گروه‌هایی برای اعمال قدرت در زمینه مسائل فرهنگی کشور؛

عبدالرحیم جعفری، بنیانگذار انتشارات امیرکبیر در زمینه انتشار کتاب‌های درسی مشابه در این دوره، چنین می‌گوید:

«بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش. انتشار کتاب‌های درسی آزاد شد، یعنی وزارت فرهنگ منتشر نمی‌کرد. البته مؤلفان و ناشران تحت برنامه‌ای که وزارت فرهنگ داده بود، تألیف می‌کردند. مثلاً در تهران شش جور فیزیک، شش جور تاریخ، شش جور شیمی و شش جور فارسی منتشر می‌شد. هر مدرسه یا هر معلمی یکی از آن‌ها را انتخاب می‌کرد و درس می‌داد. در واقع انواع و اقسام کتاب‌ها چاپ می‌شد و فروش آن نیز بستگی به تبلیغی داشت که ناشر می‌کرد.» (جعفری، مصاحبه، ۱۳۸۶).

احمد طوسی از کارشناسان تعلیم و تربیت هم در مقالات خود می‌نویسد:



«توصیه‌ها، دوستی‌ها و روابط در به تصویب رساندن، چاپ و تبلیغ کتاب‌های درسی برای فروش و انتخاب آن از طرف مراکز آموزشی اصل قرار گرفته بود. مؤلفان کتاب‌هایی را تألیف می‌کردند و مستقیماً به چاپخانه می‌بردند. در نتیجه کتاب‌های درسی گران‌قیمت و در سطحی بسیار پایین‌تر از استاندارد جهانی به بازار می‌آمد. از این گذشته حتی تا اواخر مهر ماه هم کتاب در دسترس همه دانش‌آموزان کشور نبود» (مقصودی، ۱۳۹۴، ص ۴۳).

ناگفته نماند که کیفیت و محتوای تعدادی از کتاب‌های درسی منتشرشده در این دوره، موردعلاقه دانش‌آموزان بود و خواسته‌ها و نیاز آموزشی آنان را برطرف می‌کرد. دکتر ژاله آموزگار، استاد دانشگاه و پژوهشگر معاصر در مصاحبه خود چنین عنوان می‌کند:

«در آن دوره معلمان، بچه‌ها را وادار می‌کردند که شعر حفظ کنند. مثلاً پدرم که معلم ادبیات دبیرستان در خوی بود، ما را مجبور کرد شعر «ایوان مدائن» خاقانی را حفظ کنیم که هنوز یادم است. کتاب‌های درسی که در دبیرستان ما توزیع می‌شدند، خیلی خواندنی بودند. مثلاً در کتاب فارسی نوشته‌های خوبی از بدیع‌الزمان فروزانفر بود که الان در دانشگاه تدریس می‌شود. من هنوز کتاب‌های دوره دبیرستانم را دارم و دلم نیامده است که آن‌ها را دور بریزم» (آموزگار، ۱۳۸۵، مصاحبه).

همان‌طور که بیان گردید، در فواصل سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ش. کتاب‌های فارسی و دستور زبان متعددی به نگارش درآمدند که به قلم نویسندگان، دبیران و استادان مختلفی نظیر عبدالعظیم قریب، ملک‌الشعرای بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی و رشید یاسمی به‌نگارش درآمدند. در بررسی کتاب دستور زبان فارسی سال اول و دوم دبیرستان‌ها منتشرشده در سال ۱۳۲۲ش. ویژگی‌های زیر استنباط گردید: سنگینی مطالب، توجه به ادبیات کهن، عدم درج آثار نویسندگان و شاعران معاصر، آشنایی با بزرگان ادب ایران و تأکید بر حفظیات.

ذکر این مطلب ضروری است که کتاب اول دبستان همواره از جنجال‌برانگیزترین کتاب‌های درسی بوده است، زیرا برای آموزش الفبا و واژگان ساده فارسی دیدگاه‌های گوناگونی وجود داشت که براساس آن‌ها، متن‌ها و داستان‌هایی برای روان‌خوانی کودکان برگزیده می‌شد. کارشناسان نگارش کتاب اول ابتدایی در دوره موردبحث شامل جبار باغچه‌بان، حسین کاظم‌زاده ایرانشهر و سلیم نیساری بود. روش آموزش در این دوره با نگرش کودک‌محوری بر بنیان بازی و قصه‌گویی بنا شده بود. البته از سال ۱۳۳۰ش. محتوای کتاب‌های درسی فارسی باز هم دگرگون شد و این دگرگونی در راستای افزایش بار آموزشی و کاهش بار ادبی آن‌ها بود. نگاه آموزگارمحور بار دیگر بر متن‌ها حاکم شد و روند علاقه‌مندکردن کودکان به ادبیات از راه بازی از حرکت ایستاد (محمدی، قائینی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۱۵).

عبدالله طوطیان از مدرسان و رؤسای آموزش و پرورش در مصاحبه خود در مورد کتاب کلاس



اول و شیوه تدریس آن در سال ۱۳۳۳ چنین می‌گوید:

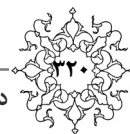
«روش تدریس معلمان کلاس اول در نیشابور، خیلی قدیمی و مکتبخانه‌ای بود. مثلاً در آموزش الفبا، شکل «الف» و «ب» را کامل می‌کشیدند و اسم آن‌ها را هم می‌نوشتند، درحالی‌که وقتی صحبت می‌کنیم، هیچ‌وقت «الف» نمی‌گوییم و «آ» می‌گوییم. بعد حروف مختلف را در یک صفحه می‌گذاشتند، دور آن‌ها دایره می‌کشیدند و می‌گفتند که «الف» را پیدا کنید و همراه با شعر تمرین می‌کردیم. وقتی همه حروف الفبا را یاد می‌گرفتیم، کتاب درسی کلاس اول را جلوی ما می‌گذاشتند که بخوانیم. این، خودش معظلی بود، چون نمی‌دانستیم که مثلاً این «آ» همان «الف» است. تازه می‌فهمیدیم «الف» یک اسم است و یک شکل دارد که «آ» است. خلاصه مشکلات جدیدی برای دانش‌آموز ایجاد می‌شد» (طوطیان، ۱۳۹۵، مصاحبه).

در این دوره که شاید به‌نوعی در تاریخ تدوین کتاب‌های درسی کم‌سابقه باشد، به دلیل مشکلات و مسائلی که در داخل و خارج از ایران با آن‌ها مواجه بود، توانست سرمایه‌گذاری و نظارت بر انتشار کتاب‌های درسی را همچون سال‌های پیش از آن، در اختیار داشته باشد. بنابراین اشخاص حقیقی و حقوقی بسیاری به دلایل مختلف به انتشار این مواد آموزشی اقدام کردند، به‌طوری که تعداد کتاب‌های منتشرشده نسبت به دهه قبل، حدود پنج برابر شد، یعنی از یک عنوان یا برنامه یا موضوع مشخص، چندین کتاب مشابه منتشر شد.

علاوه بر این، تنوع و تعدد کتاب‌ها از سوی برخی از صاحب‌نظران مورد انتقاد قرار گرفت و آن را به‌عنوان نابسامانی قلمداد کردند. هم‌چنین مواردی نظیر گرانی بهای کتاب‌های درسی، نرسیدن به‌موقع کتاب به‌دست دانش‌آموز و مواردی از این‌دست نیز سبب شد تا موج انتقادات افزایش یابد که این روند موجب شکل‌گیری «سازمان کتاب‌های درسی» در سال‌های پس از آن (سال ۱۳۴۱ش) شد و اینکه دولت مجدداً انتشار این منابع آموزشی را در انحصار خود درآورد. لازم به‌ذکر است کتاب‌های درسی در این دهه به بیان عده‌ای از شخصیت‌های معاصر که در آن سال‌ها دانش‌آموز بودند، کیفیت خوبی داشت و علاوه بر اینکه ذوق و علاقه دانش‌آموزان را برمی‌انگیخت، مراکز آموزشی را نیز جهت استفاده از آن‌ها آزاد می‌گذاشت و مدیران مدارس می‌توانستند کتاب‌های بهتری را برای حوزه آموزشی خود برگزینند.

### نتیجه‌گیری:

تدوین کتاب‌های درسی در فواصل سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲ش. دارای فراز و نشیب‌های بسیاری بود که در سه مقطع زمانی شرح و بسط داده شد. در دهه اول (۱۳۰۰-۱۳۱۰ش) وزارت فرهنگ برای نخستین بار در زمینه تدوین و انتشار کتاب‌های درسی سرمایه‌گذاری کرد و با اینکه تجربه چندانی در این زمینه نداشت، سعی کرد محتوای آموزشی متناسب با سطح یادگیری دانش‌آموزان را در اختیار



مراکز آموزشی قرار دهد. البته کیفیت کتابهای منتشرشده در این دوره، قابلیت ارتقا و بهبود داشت. در دهه دوم (۱۳۱۰-۱۳۳۰ش) وزارت فرهنگ تجربه کافی در زمینه انتشار کتابهای درسی داشت و به دلیل کمبود کتاب در مدارس، به انتشار این منابع آموزشی در سطح گسترده اقدام کرد که به «کتابهای وزارتی» معروف شدند. در واقع مؤلفان و ناشران کتابها را با در نظر گرفتن شرایط و ضوابط وزارت فرهنگ تولید می کردند. البته عدهای از صاحب نظران ایراداتی به کتابهای وزارتی وارد کردند، ولی بسیاری از دانش آموزان در آن دهه، کیفیت و کمیت آنها را مناسب و درخور می دانند.

در دهه سوم (۱۳۲۰-۱۳۳۲ش) دولت به دلیل مشکلات داخلی و خارجی، از سرمایه گذاری در زمینه انتشار کتابهای درسی کناره گیری کرد و مؤلفان، ناشران و علاقه مندان را آزاد گذاشت تا با صلاحدید خود، منابع آموزشی مدارس را تألیف و منتشر نمایند. تعداد کتابهای درسی منتشرشده در این دوره، چندین برابر دو دهه قبل بود. البته بسیاری از متخصصان به این آزادسازی تألیف انتقاد کردند، تا جایی که دلیل تأسیس «سازمان کتابهای درسی» در سال ۱۳۴۱ش. ناشی از همین انتقادها بود، گرچه بسیاری از دانش آموزان در آن دوره، در مصاحبه های خود به کیفیت خوب و مناسب این منابع آموزشی اشاره کردند و آنها را کتابهایی معرفی کردند که در برانگیختن ذوق و استعداد دانش آموزان مؤثر بود.

نوشتار پیش رو بر آن بود تا تدوین کتابهای درسی دوره ابتدایی و متوسطه در دوره پیش گفته را از دیدگاه مؤلفان و معلمان بررسی کند، ولی به دلیل عدم دسترسی به این شخصیتها (در قید حیات نیستند)، از نظرات مصداقهای آنها استفاده شد. این مصداقها همان دانش آموزان دوره مذکور هستند که در آن سالها در دوره ابتدایی یا دبیرستان تحصیل می کردند و بسیاری از آنها بعدها به جرگه دبیران و مربیان تعلیم و تربیت پیوستند.

پس از تحلیل روایتها و دیدگاههای مصاحبه شوندگانی که از صحبت های آنها در این مقاله استفاده شد، می توان نکاتی را استنباط کرد که در منابع منتشرشده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در واقع انتشار دیدگاههای کارشناسان و منتقدان کتابهای درسی در ایران از دهه چهل آغاز شد (بعد از تأسیس سازمان کتابهای درسی در سال ۱۳۴۱ش). ولی نظرات دانش آموزانی که خوانندگان اصلی این کتابها بودند، کمتر مورد بررسی قرار گرفت.

بنابراین براساس اطلاعات استخراج شده از منابع تاریخ شفاهی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در زمینه تدوین کتابهای درسی (۱۳۰۰-۱۳۳۲ش)، محورهای زیر مورد تحلیل قرار گرفته است:

#### الف) جایگاه مؤلفان

- استادان دانشگاه در نقش مؤلفان، بخش زیادی از کتابهای درسی در این دوره توسط استادان





دانشگاه در رشته‌های مختلف به نگارش درآمدند. به‌طور مثال کتاب‌های ریاضی به وسیلهٔ استادان برجسته‌ای نظیر پرویز شهریاری و احمد بیرشک، کتاب‌های فارسی و دستور به قلم بدیع‌الزمان فروزانفر، ملک‌الشعرای بهار و جلال‌الدین همایی و کتاب‌های عربی توسط احمد بهمنیار، عبدالرحمن فرامرزی و محمدحسین فاضل‌تونی، تألیف شدند.

- دبیران مؤلف، زمانی که شرایط برای تألیف کتاب‌های درسی مهیا شد، بسیاری از معلمان و دبیرانی که تجربهٔ تدریس در مقاطع مختلف تحصیلی را داشتند، به‌صورت جمعی یا فردی به تهیه و آماده‌سازی این کتاب‌ها اقدام کردند. آن‌ها تصور می‌کردند که به‌دلیل فعالیت در امر آموزش دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف می‌توانند کتاب‌هایی را متناسب با شرایط سنی و توانایی‌های آنان فراهم کنند.

- حاکم‌بودن نگاه آموزگارمحور، مطالب درسی در دورهٔ ابتدایی و متوسطه، با توجه به دیدگاه استادان و معلمان تدوین می‌شد، در نتیجه نگرش دانش‌آموزمحوری کمتر در آن مشاهده می‌شد. در واقع ویژگی‌های شخصیتی تدوینگران و علائق آن‌ها در لابه‌لای صفحات کتاب‌ها نمایان بود.

#### ب) رقابت و سیستم چندتألیفی

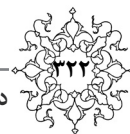
- تألیف کتاب‌ها به‌صورت گروهی، بررسی کتاب‌های درسی در این سه دهه نشان داد که نظام چندتألیفی بر آن حاکم بود و بیشتر کتاب‌ها، بیش از دو مؤلف داشت.

- آزادی تألیف کتاب‌های درسی، در این دوره ناشران، مؤلفان، دبیران و صاحب‌نظران برای انتقال تجربیات و کسب درآمد، به تألیف و چاپ کتاب‌های مختلف اقدام کردند. در نتیجه به‌دلیل کثرت این کتاب‌ها، نظارت دقیقی از سوی دولت و متولیان اثر بر نحوهٔ انتشار و محتوای آن‌ها صورت نمی‌گرفت.

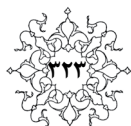
- رقابت جهت بهبود کیفیت، تدوین کتاب‌های درسی توسط نویسندگان مختلف، موجب رقابت در تألیف شده بود، موضوعی که در دهه‌های پس از آن، در سیستم تک‌تألیفی وجود نداشت یعنی تصور بر این بود که منبع موجود، بهترین است و تلاشی جهت ارتقای آن انجام نمی‌شد.

#### ج) برنامه‌ریزی درسی و شیوه‌های تدریس

- بهره‌گیری از شیوه‌های قدیمی و مکتب‌خانه‌ای، این امر به‌خصوص در کتاب‌های درسی دورهٔ ابتدایی مشاهده می‌شد. در واقع بسیاری از کتاب‌ها براساس این شیوه تألیف می‌شدند. به‌طور مثال در کلاس اول ابتدایی، آموزش الفبا و واژگان سادهٔ فارسی به‌صورتی بود که وقتی شکل تمام حروف فارسی درس داده می‌شد، دانش‌آموزان به‌راحتی نمی‌توانستند کلمات و جملات را بخوانند، چون تأکید بر شکل نوشتاری حروف بود و نحوهٔ کاربرد آن در خوانش متن مورد توجه قرار نمی‌گرفت.



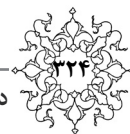
- تأکید بر کاربرد روش انتزاعی در آموزش، در این سه دهه در آموزش بعضی از درس‌ها از روش انتزاعی و ذهنی استفاده می‌شد. به‌طور مثال جهت تدریس ریاضی و علم‌الاشیاء، به این شیوه توجه می‌شد که غالباً برای علاقه‌مندان به آن درس خاص که استعداد فراگیری آن را هم داشتند، مفید بود ولی برای سایر دانش‌آموزان کاربردی نداشت.
- بی‌توجهی به علائق دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی درسی، برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ به‌گونه‌ای نبود که برای هر استعداد و ویژگی تحصیلی، مواد آن را فراهم کند. به‌طور مثال کسی که به درس ریاضی علاقه چندانی نداشت، ناچار بود همه مطالب آن را بخواند و امتحان بدهد.  
(د) نقش مراکز آموزشی
- مراکز به‌عنوان انتخابگر مواد آموزشی، در این سه دهه مراکز آموزشی می‌توانستند از میان کتاب‌هایی که محتوای آن‌ها ویژگی‌های موردنظر را داشت یا با ضوابط تعیین‌شده همخوانی داشت، منابع آموزشی خود را انتخاب کنند.
- کسب تجربه درزمینه بهره‌گیری از منابع، مدیران و معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه این امکان را داشتند که بتوانند هر سال کتاب‌های درسی مورد استفاده در مرکز خود را تغییر دهند و در بهره‌گیری از منابع درسی مختلف، تجربه کسب کنند.
- کمبود معلم در تدریس بعضی از درس‌ها، جهت آموزش بعضی از درس‌ها نظیر زبان‌های خارجی، آموزگاران باتجربه به تعداد اندکی وجود داشت. به‌خصوص از شهریور ۱۳۲۰ به این‌سو که اولویت آموزش زبان خارجی در مدارس، از فرانسه به انگلیسی تغییر کرد، تعداد معلمان زبان انگلیسی بسیار کم بود و دانش‌آموزان دبیرستانی در سال‌های اولیه، با کمبود معلم مواجه بودند.  
(ه) محتوا و درون‌مایه
- عدم انطباق محتوا با توانایی‌ها و شرایط سنی دانش‌آموزان، در دوره مورد بحث کتاب‌های درسی از سطح فهم و استعداد دانش‌آموزان بالاتر بود و دلیل آن هم دیدگاه مؤلفان بود که موفق نشده بودند کتاب‌هایی را همخوان با ویژگی‌های فردی و تحصیلی استفاده‌کنندگان فراهم آورند. به‌طور مثال مطالب کتاب ریاضی ششم ابتدایی در آن سال‌ها، هم‌تراز کتاب درسی اول دانشگاه در دوره کنونی است.
- محتوای توصیفی و تأکید بر حفظیات، درون‌مایه کتاب‌های درسی بیشتر توصیفی بود و دانش‌آموزان تنها به حفظ آن‌ها می‌پرداختند، در صورتی که محتوا باید طوری باشد که کودکان را به ارزیابی آنچه نوشته شده، تشویق کند و تفکر خلاق و دید انتقادی را در آن‌ها پرورش دهد.
- انتقال فرآورده نه فرایند، در کتاب‌های درسی این سه دهه تلاش نویسندگان بر انتقال



- دستاورد‌های علمی بود و کمتر به مقوله فرایند علم توجه می‌شد و از این‌رو، دانش‌آموزان به حفظ نکات کتاب‌ها بسنده می‌کردند، تا اینکه بتوانند با درک مفاهیم به تولید علم بپردازند.
- تأکید بر فراگیری آثار کهن فارسی، توجه به آثار گذشتگان در درس‌هایی نظیر ادبیات و درج مطالب خواندنی و ضرورت آشنایی با بزرگان ایران زمین در زمینه‌های مختلف.
  - توجه به تألیف، نه ترجمه، رویکرد برنامه‌ریزان کتاب‌های درسی مبتنی بر تألیف محتوا بود و در بسیاری از موارد علی‌رغم اینکه کتاب‌های که به زبان فرانسه بود، از لحاظ تناسب با سطح استعداد و فهم دانش‌آموزان مناسب تشخیص داده می‌شد، ولی در دستور کار متولیان تعلیم و تربیت جهت ترجمه قرار نمی‌گرفت و به تدریس کتاب‌های تألیفی بسنده می‌شد.
- (و جنبه‌های بصری
- بهره‌گیری از متون بصری، در این دوره، استفاده از تصاویر، جدول‌ها و سایر موارد مرتبط با متون بصری در کتاب‌های درسی نظیر ریاضی رایج بود. در واقع به‌عنوان یکی از روش‌های کاربردی جهت آموزش مفاهیم، به کار می‌رفت.
  - توجه به حاشیه‌های متون، جهت جذابیت مطالب و کارایی بهتر آموزش، بخش زیادی از صفحات کتاب‌هایی نظیر تاریخ و جغرافیا با تصاویر حاشیه‌ای و موارد مرتبط تکمیل می‌شد که موجب درک بهتر مطالب می‌گردید.
  - گنجاندن هنر در کتاب‌های درسی، توجه به برنامه‌ریزی جهت گسترش هنرهای نظیر موسیقی و نقاشی در سطح مدارس و انتشار کتاب‌هایی در این زمینه، موجب کشف استعداد‌های هنری دانش‌آموزان و تقویت آن توسط معلمان می‌شد.
- در نتیجه در این پژوهش که متکی بر مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی با دوازده شخصیت معاصر بود، کاربرد عملی بهره‌گیری از این‌گونه منابع جهت نمایان ساختن زوایای تاریک و پنهان منابع مکتوب و اسناد شرح داده شد. مطمئناً استفاده از تجربیات سایر شخصیت‌ها در زمینه موارد مرتبط با موضوع تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش در دهه‌های گذشته نیز به کسب اطلاعات مفیدی در این حوزه می‌انجامد.

## منابع:

- آتشگر، منوچهر (۱۳۸۶). مصاحبه‌کننده رضا مختاری اصفهانی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۰). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- آرام، محمدباقر (۱۳۹۵). مصاحبه‌کننده مسیح جواهردهی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.



- اشراقی، مهدی (۱۳۸۴). *دارالفنون: گفتاری در هویت دارالفنون و جایگاه آن در تاریخ معاصر ایران*. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- اکرمی، سیدکاظم (۱۳۹۵). *مصاحبه‌کننده مسیح جواهردهی*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ایمانه، مجتبی (۱۳۹۱). *نقش حاج سعید طباطبایی نائینی در تعلیم و تربیت*. یادمان فرهنگ، ۱(۳)، ۴۹.
- بقایی شیره‌جینی، محمد (۱۳۹۴). *زندگی‌نامه، آراء، نظرات و خاطرات میرزا حسن رشیدی*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- به‌نژاد، محمود (۱۳۹۵). *مصاحبه‌کننده مسیح جواهردهی*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- جعفری، عبدالرحیم (۱۳۸۶). *مصاحبه‌کننده رضا مختاری اصفهانی*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- رون، سیدامیر (۱۳۹۱). *بررسی مبانی، اصول و فرایند تألیف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی*. فصلنامه تربیت اسلامی، ۷(۱۵)، ۱۶۶.
- سلطانی‌فر، صدیقه (۱۳۷۶). *فهرست کتاب‌های درسی چاپ سنگی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- صافی، احمد (۱۳۹۵). *مصاحبه‌کننده مسیح جواهردهی*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- صالحی رزوه، جواد (۱۳۹۳). *تحلیل محتوای کتاب‌های درسی اجتماعی دوره ابتدایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میمه.
- صدیق، عیسی (۱۳۴۹). *تاریخ فرهنگ ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- صدیق، عیسی (۱۳۵۴). *یادگار عمر*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طالقانی، ملکه (۱۳۴۲). *این کتاب‌ها بلای جان بچه‌های ماست*. ماهنامه آموزش و پرورش، ۲(۳)، ۲۰.
- طوطیان، عبدالله (۱۳۹۵). *مصاحبه‌کننده مسیح جواهردهی*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۳). *مصاحبه‌کننده شفیقه نیک‌نفس*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.



- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۹۵). مصاحبه‌کننده مسیح جواهردهی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- گلپایگانی، حسن (۱۳۷۱). چاپخانه چاپ سنگی دارالفنون. ماهنامه صنعت نفت، ۱۰(۱۲۰)، ۵۱.
- گویا، زهرا (۱۳۹۰). سیر تحول برنامه‌های درسی ریاضی مدرسه‌ای. آموزش ریاضی، ۲(۴)، ۱۰۳.
- محمدی، محمدهادی؛ قائینی، زهره (۱۳۹۰). تاریخ ادبیات کودکان ایران. تهران: نشر چیستا.
- معتمدی، اسفندیار (۱۳۷۸). نخستین دبیرستان در ایران. رشد معلم، ۱(۳)، ۶۳-۶۴.
- معتمدی، اسفندیار (۱۳۹۱). بررسی تاریخ تحولات کتاب‌های درسی مدارس در ایران (۱۲۳۰-۱۳۹۰). پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۷(۲۵)، ۱۱۱-۱۱۳.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۴). چندتألیفی، تاریخچه برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی در ایران. رشد جوانه، ۸(۴۸)، ۴۰-۴۳.
- میرهادی، توران (۱۳۸۷). مصاحبه‌کننده حجت‌الحق حسینی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- وزیری مقدم، محسن (۱۳۸۴). مصاحبه‌کننده شفیقه نیک‌نفس. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- یغمایی، اقبال (۱۳۷۶). مدرسه دارالفنون. تهران: انتشارات سردا.

